



انديشگه‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی



حکمرانی

روزنامه الکترونیکی
@HOKMRAH
شماره ۲۸

انديشگه‌های حکمرانی و قانون گذاری استانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

۱۸ تیر ۱۴۰۵
۲۴ محرم ۱۴۴۷
۹ جولای ۲۰۲۶
مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی شماره ۲۸

@HOKMRAH



تیتريهای امروز

دکتر عباس جوادى

دبير کميسيون بهداشت مجمع مشورتى
نظام مسائل خراسان جنوبى



حکمرانی سلامت محور و مدیریت شهری

شهرها به عنوان موتورهای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین کننده‌ای در سلامت جمعیت دارند؛ زیرا عوامل اجتماعی و محیطی شهرنشینی مانند کیفیت هوا، دسترسی به فضای سبز، ترافیک و خدمات، سلامت جسمی و روانی شهروندان را شکل می‌دهند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که به دلیل پیچیدگی و تأثیرات چند عاملی عوامل شهری بر سلامت، مدیریت شهری باید سلامت را به عنوان هدفی راهبردی در سیاست گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نماید تا کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در شهرها تقویت شود. ..

صفحه ۲

محمدرضا کفاش جمشید

عضو شورای اندیشگه حکمرانی اردبیل

آمایش سرزمینی مطلوب پسا جنگ

نگاهی یکپارچه و عمیق به درس‌آموخته‌های جنگ اخیر و تلفیق آن با اصول بنیادین آمایش سرزمین ضرورتی انکارناپذیر است. جنگ اخیر ثابت کرد که آمایش سرزمینی ایران برای دفع تهاجم کلاسیک (نظیر حمله زمینی گسترده) به خوبی طراحی شده، اما در برابر «جنگ فرسایشی هوایی-دریایی» با هدف ضربه به زیرساخت‌ها، پل‌ها، صنایع فولاد، پتروشیمی و فلج کردن شریان‌های حیاتی (آب، انرژی)، دارای آسیب‌پذیری‌هایی است

صفحه ۳

مهدی چاپاری

دبيرمجمع مشورتى نظام مسائل خراسان جنوبى



ضرورت توجه به مسئله جمعیت در ایران و پنجره جمعیتی

آمارهای منتشرشده از سوی مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت، نشانگر وضعیتی هشداردهنده در ساختار جمعیتی کشور است: ۱۲ میلیون جوان مجرد که هرگز ازدواج نکرده‌اند، از این تعداد، ۷.۵ میلیون پسر و ۴.۵ میلیون دختر در سنین بالای ۲۰ سال قرار دارند. همچنین، حدود ۸۲۰ هزار مرد بالای ۵۰ سال و ۳۴۰ هزار خانم بالای ۴۵ سال در کشور وجود دارند که هرگز ازدواج نکرده‌اند. این ارقام نه تنها بیانگر چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده است، بلکه زنگ خطری جدی برای پنجره جمعیتی ایران محسوب می‌شود

صفحه ۴

علی عباس‌زاده سوری

عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگر حوزه حکمرانی

حکمرانی هوشمند در عصر گذار: واکاوی ابعاد «جنگ سوم». وحدت ملی و افق‌های هوش مصنوعی در ایران

بازخوانی ضرورت‌های حکمرانی در تلاطم تحولات نوظهور تحولات پرشتاب سیاسی، امنیتی و فناورانه در سنوات اخیر، این حقیقت بنیادین را دیکته کرده است که نظامات حکمرانی سنتی دیگر توان پاسخگویی به پیچیدگی‌های جهان معاصر را ندارند. جامعه امروز ایران، در کنار نیاز به انسجام ملی و صیانت از هویت جمعی، با چالش‌های نوین اطلاعاتی و امنیتی روبروست که تحلیل آن‌ها تنها از عهده سامانه‌های هوشمند برمی‌آید. تجربه‌های سخت و هزینه‌زای ملی در جریان بحران‌های تحمیلی، نباید صرفاً به عنوان یک تهدید نگریسته شوند؛ بلکه این رخدادها، نقاط عطفی برای «بازمهندسی حکمرانی» و بازشناسی ظرفیت‌های پنهان ملت در مسیر پیشرفت هستند...

صفحه ۵

علیرضا گرداب

معاونت امور کمیسیون‌های مجمع
مشورتی نظام مسائل استان اصفهان



حمله موشکی به مجتمع صنعتی فولاد مبارکه را نمی‌توان صرفاً یک رخداد نظامی یا صنعتی دانست؛ بلکه این اتفاق، زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، روانی و اجتماعی ایجاد کرده که آثار آن فراتر از محدوده کارخانه دیده می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد بخش‌هایی از خطوط تولید و زیرساخت‌های انرژی این مجموعه آسیب جدی دیده و بخشی از فعالیت تولیدی متوقف شده است. (به نقل از بانک اقتصاد)

از نظر اقتصادی، فولاد مبارکه یکی از مهم‌ترین صنایع مادر ایران محسوب می‌شود و هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است. برخی گزارش‌ها ادعا کرده‌اند پس از حملات، تعداد زیادی از نیروهای عملیاتی به محل کار بازنگشته‌اند و فعالیت تولیدی با افت شدید مواجه شده است.

صفحه ۶

تحلیلی اجمالی بر حمله موشکی دشمن آمریکایی و اسرائیلی به بزرگ‌ترین واحد صنعتی ایران و بزرگ‌ترین شرکت فولاد سازی خاورمیانه (مجتمع فولاد مبارکه) و پیامدهای اجتماعی بوجود آمده آن و راهکارها



حکمرانی سلامت محور و مدیریت شهری

دکتر عباس جوادی، استادیار دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دبیر کمیسیون بهداشت مجمع مشورتی نظام مسائل خراسان جنوبی



به طور مؤثر شکل گیرد. چنین رویکردی به هم گرایی بین اهداف توسعه ای و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان منجر خواهد شد.

نقش شوراهای شهر در تحقق سلامت محوری

شوراهای شهر می توانند از طریق سیاست گذاری صحیح، زمینه تحقق مهم ترین اقدامات شوراها در این زمینه عبارت اند از توسعه حمل و نقل عمومی و کاهش آلودگی هوا، افزایش سرانه فضای سبز و فضاهای عمومی توجه به عدالت اجتماعی و توزیع متوازن خدمات شهری، مناسب سازی معابر برای سالمندان و افراد دارای معلولیت، حمایت از فعالیتهای فرهنگی ورزشی و اجتماعی، نظارت بر مدیریت پسماند و حفظ محیط زیست، تقویت مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های شهری

نتیجه گیری

حکمرانی سلامت محور یکی از ضرورت های مدیریت شهری در دنیای امروز است و شوراهای شهر نقش کلیدی در تحقق آن دارند. انتخابات شوراها فرصتی مهم برای انتخاب مدیرانی است که سلامت و کیفیت زندگی مردم را در اولویت قرار دهند. آینده شهرها نه تنها به توسعه فیزیکی، بلکه به میزان توجه مدیران شهری به سلامت، عدالت و رفاه شهروندان وابسته است

سلامت شهری برای اینکه تصمیمات سلامت محور به صورت عملی اجرا شوند، منابع مالی و انسانی باید به طور مشخص برای آن تخصیص یابد و شاخص های سلامت شهری مانند کیفیت هوا، دسترسی به خدمات بهداشتی و فعالیت بدنی در گزارش های مدیریت شهری گنجانده شود. پایش دوره ای این شاخص ها به برنامه ریزان کمک می کند تا اثرات مداخلات را بسنجند و سیاست ها را بازنگری نمایند.

مشارکت اجتماعی و شهروندان

تصمیم گیری سلامت محور بدون مشارکت فعال شهروندان ناقص خواهد بود. فراهم آوردن فرصت هایی برای مشارکت عمومی از طریق جلسات مشورتی، کارگاه های محلی و تالارهای گفتگو باعث می شود دیدگاه های جامعه در طراحی و اجرای سیاست ها لحاظ شود و تعهد اجتماعی نسبت به سلامت افزایش یابد. مشارکت شهروندان همچنین به کاهش نابرابری های سلامت کمک می کند.

برای تحقق شهرهایی که سلامت را به عنوان هدف اصلی در برنامه ریزی و مدیریت اتخاذ کنند، لازم است سلامت در سیاست ها و ساختارهای رسمی مدیریت شهری نهادینه شود، سازوکارهای بین بخشی فراهم گردد، ابزارهای علمی مانند ارزیابی اثرات سلامت به کار گرفته شود، منابع و شاخص ها پایش شوند و مشارکت شهروندان و متخصصان سلامت

برنامه ریزی شهری مانند طرح جامع شهر، برنامه های توسعه و اسناد سیاستی کلان گنجانده شود. سلامت باید یکی از معیارهای سنجش موفقیت برنامه های شهری باشد. سازمان جهانی بهداشت برادغام سلامت در همه سیاست ها تأکید کرده است.

ایجاد ساختارهای بین بخشی و همکاری فراسازمانی

سلامت محور کردن تصمیمات نیازمند تشکیل نهادهای بین بخشی است که نماینده بخش های مختلف شهری باشند؛ مانند شهری، حمل و نقل، محیط زیست، آموزش، خدمات اجتماعی و اقتصاد. این ساختارها می توانند در قالب کمیته های سلامت شهری یا شورای سلامت تصمیم بگیرند و مداخلات را براساس شواهد علمی اولویت بندی نمایند.

استفاده از ارزیابی اثرات سلامت (Health Impact Assessment)

یکی از ابزارهای علمی برای تضمین سلامت محور بودن سیاست ها، انجام ارزیابی اثرات سلامت (HIA) برای برنامه ها و پروژه های شهری است. ارزیابی اثرات سلامت به صورت نظام مند پیامدهای مثبت یا منفی یک تصمیم مانند توسعه حمل و نقل یا ارتقای فضای سبز را پیش از اجرا بررسی می کند و به مدیریت شهری امکان می دهد اثرات احتمالی بر سلامت جمعیت را سنجش نماید. تخصیص منابع و پایش شاخص های

شهرها به عنوان موتورهای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نقش تعیین کننده ای در سلامت جمعیت دارند؛ زیرا عوامل اجتماعی و محیطی شهرنشینی مانند کیفیت هوا، دسترسی به فضای سبز، ترافیک و خدمات، سلامت جسمی و روانی شهروندان را شکل می دهند. مطالعات اخیر نشان می دهد که به دلیل پیچیدگی و تأثیرات چند عاملی عوامل شهری بر سلامت، مدیریت شهری باید سلامت را به عنوان هدفی راهبردی در سیاست گذاری ها و تصمیم گیری ها لحاظ نماید تا کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی در شهرها تقویت شود.

امروزه مدیریت شهری تنها به ساخت خیابان، پل و پروژه های عمرانی محدود نمی شود، بلکه «کیفیت زندگی شهروندان» به مهم ترین شاخص موفقیت شهرها تبدیل شده است. در این میان، مفهوم «حکمرانی سلامت محور» به عنوان یکی از رویکردهای نوین مدیریت شهری، اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. این رویکرد بر آن تأکید دارد که همه سیاست ها و تصمیم های شهری باید با در نظر گرفتن تأثیر آن ها بر سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و محیطی شهروندان اتخاذ شوند

نهادینه کردن سلامت در سیاست گذاری شهری

برای اینکه تصمیم گیری های شهری سلامت محور شود، نخست باید سلامت در سندهای بالادستی

آمایش سرزمینی مطلوب پسا جنگ

محمد رضا کفاش جمشید عضو شورای اندیشکده حکمرانی اردبیل



نگاهی یکپارچه و عمیق به درس آموخته های جنگ اخیر و تلفیق آن با اصول بنیادین آمایش سرزمین ضرورتی انکارناپذیر است. جنگ اخیر ثابت کرد که آمایش سرزمینی ایران برای دفع تهاجم کلاسیک (نظیر حمله زمینی گسترده) به خوبی طراحی شده، اما در برابر «جنگ فرسایشی هوایی- دریایی» با هدف ضربه به زیرساخت ها، پل ها، صنایع فولاد، پتروشیمی و فلج کردن شریان های حیاتی (آب، انرژی)، دارای آسیب پذیری هایی است.

بر این اساس، مدل آمایش سرزمینی پسا جنگ باید از «دژ ایستا» به «سلول زنده و ضرب گیر» تغییر ماهیت دهد. در ادامه، چارچوب این آمایش نوین ارائه می شود:

۱. اصل بقا پذیری زیرساختی:

از «مقاومت» به «بقا پذیری توزیع شده»
بزرگ ترین زنگ خطر جنگ، هدف قرار گرفتن تأسیسات آب شیرین کن و زیرساخت های متمرکز بود. در آمایش جدید، بقا باید از «استحکامات» به «تکثیر» تغییر می کند.

۰ مناطق ساحلی (خلیج فارس و دریای عمان): به جای ابرپروژه های متمرکز آب و برق (مانند تأسیسات بزرگ آب شیرین کن)، به سمت «شبکه مویرگی تأسیسات کوچک مقیاس زیرزمینی» حرکت کنیم. تأسیسات آب شیرین کن باید کوچک، پراکنده و در زیر لایه های بتنی و خاکریزها پنهان شوند.

۰ صنعت نفت و گاز: الگوی پالایشگاه های بزرگ و هدف پذیر (ستاره خلیج فارس، آبادان) باید با «ریزپالایشگاه های پراکنده و زیرزمینی» تکمیل شود. این تأسیسات کوچک، در دل کوهپایه های زاگرس و مناطق کویری پراکنده می شوند تا قطع صادرات و فراوری انرژی برای دشمن ناممکن شود. جزیره قشم می تواند به الگوی آزمایشی این مدل تبدیل شود.

۲. بازنگری در توسعه سکونتگاهی: «تمرکززدایی اجباری»

وزن جمعیتی و مدیریتی تهران و کلان شهرها، پاشنه آشیل مدیریت بحران در جنگ بود. آمایش جدید باید حکم به «واگرایی» دهد.

۰ انتقال پایتخت اداری-سیاسی: نه صرفاً به یک شهر، بلکه به یک «مجموعه امن اداری» در لبه فلات مرکزی (حد فاصل کویر و کوهپایه).

تونل های رشته کوه مرکزی ایران عبور کنند. برای مثال، یک «کریدور ریلی زیرزمینی» در زیر فلات مرکزی که بنادر جنوب را به مراکز لجستیک شمالی متصل کند، می تواند ضربان حیات اقتصادی و نظامی را در بدترین شرایط حفظ کند.

۴. اقتصاد عمیق به جای اقتصاد ساحلی

آمایش پیشین، متکی بر تجارت دریایی و مناطق آزاد ساحلی بود. جنگ، شکنندگی این مدل را نشان داد. جهش به سوی «اقتصاد ژرف»: صنایع مادر و کارخانجات تولید قطعات حساس (پهپاد، موشک، نیمه هادی های بومی) باید در «شهرهای صنعتی مدفون» در دل کوه های ایران مرکزی (مناطق معدنی کرمان، یزد و خراسان جنوبی) مستقر شوند. هواپیماهای بدون سرنشین و موشک ها که اکنون ستون فقرات دفاعی ایران هستند، باید در عمق زمین، جایی که مصون از سنگر شکن ها هستند، تولید شوند. این کار، ضمن کاهش آسیب پذیری، موجب توسعه

متوازن مناطق محروم داخلی نیز می شود.

۵. تنگه هرمز: از باریکه جنگی به «منطقه حاکمیتی هوشمند»

تنگه هرمز و جزایر همجوار و جزایر راهبردی سه گانه (بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) در جنگ نقش محوری داشتند. آمایش آینده باید اینجا را نه یک خط مقدم، که یک دژ هوشمند چند لایه ببیند.

جزیره قشم: باید به یک «ناو هواپیما بر غیرقابل غرق» تبدیل شود؛ نه با تمرکز تأسیسات، بلکه با شبکه ای از پایگاه های کوچک پهپادی، سامانه های پدافندی غافلگیرکننده و تونل های زیرسطحی برای شناورهای تندرو. همچنین تأسیسات حیاتی غیرنظامی (آب، برق، بیمارستان) باید به تونل های عمیق در دل سنگ های جزیره منتقل شوند.

۶. امنیت سایبری و داده: آمایش سرزمین دیجیتال

جنگ با حملات سایبری به شبکه برق و سیستم های لجستیک آغاز شد.

ایجاد «مجتمع دیتاسنترهای زیرزمینی»: مراکز داده ملی و سرورهای اینترنت باید از ساختمان های شیشه ای تجاری در تهران به فضاهای امن زیرزمینی در دل کوه ها یا تونل های عمیق کوهستانی منتقل شوند. اینترنت ملی باید دارای مسیرهای انتقال داده کاملاً مستقل از کابل های سطحی و ساحلی باشد.

جمع بندی: استراتژی «خارپشت عمیق»

آمایش سرزمینی مناسب برای ایران پسا جنگ، دیگر یک «چیدمان اداری-اقتصادی» نیست؛ یک «مهندسی بقا» است. این آمایش باید ایران را به یک «خارپشت عمیق» تبدیل کند. موجودی که اندام های حیاتی اش (صنعت، فرماندهی، داده، انرژی) در عمیق ترین لایه های پوسته زمین پنهان شده، رگ های ارتباطی اش (جاده ها، ریل ها، لوله ها) در زیر کوه ها تکثیر شده، و خارهای تهاجمی اش (پهپادها و موشک ها) از هزاران نقطه پراکنده و غیرقابل پیش بینی در سطح کشور آماده واکنش باشند.

هدف نهایی این آمایش ناممکن کردن فروپاشی سریع و تحمیل هزینه های بالا به هر متجاوزی که قصد تصرف، تجزیه یا تغییر نظام سیاسی در ایران را دارد.

ضرورت توجه به مسئله جمعیت در ایران و پنجره جمعیتی

مهدی چاپاری، دبیرمجمع مشورتی نظام مسائل خراسان جنوبی



پیشرفت کشور، برکسی پوشیده نیست. جوانان، محور تحولات علمی، اقتصادی و فرهنگی هستند و پویایی جامعه در گرو مشارکت فعال آنان است. اما این حضور، نیازمند بستری مناسب از جمله تسهیل ازدواج، اشتغال پایدار و حمایت از خانواده است. آمار بالای جوانان مجرد نشان می دهد که موانع اقتصادی و اجتماعی، مانع از تحقق این امر شده است. اگر این چالش ها برطرف نشود، پنجره جمعیتی به جای آنکه فرصتی برای پیشرفت باشد، به بحرانی برای آینده تبدیل خواهد شد.

در نتیجه، توجه به مسئله جمعیت در ایران، نیازمند عزم ملی و سیاست گذاری هوشمندانه است. پیام رهبری به وضوح نشان می دهد که افزایش جمعیت و حمایت از خانواده، شرط ضروری برای تداوم قدرت، پیشرفت و خلق تمدن نوین ایران اسلامی است. برای استفاده از پنجره جمعیتی، باید با برنامه ریزی دقیق، موانع ازدواج و فرزندآوری را کاهش داد و نسل جوان را به عنوان سرمایه ای بی بدیل در مسیر توسعه قرار داد. تنها در این صورت می توان از فرصت کنونی بهره برد و آینده ای پویا و مقتدر برای ایران ساخت.

یک مسئله راهبردی برای حفظ اقتدار ملی و تحقق تمدن نوین اسلامی می داند. ایشان همچنین اشاره کرده اند که افزایش جمعیت تنها برای جبران سیاست های گذشته نیست، بلکه ابزاری برای نقش آفرینی بزرگ و جهش های راهبردی ایران در آینده است.

ضرورت حضور نسل جوان برای

در این زمینه، پیام رهبر انقلاب اسلامی به عنوان فصل الخطاب، جهت دهنده کلیدی سیاست های جمعیتی است. ایشان در بخشی از پاسخ به فعالان مردمی حوزه جمعیت، تأکید کرده اند: «افزایش جمعیت، نسبت مستقیمی با تداوم قدرت و پیشرفت ایران دارد». این بیان، جمعیت را نه تنها یک موضوع اجتماعی، بلکه



آمارهای منتشرشده از سوی مرکز جوانی جمعیت وزارت بهداشت، نشانگر وضعیتی هشداردهنده در ساختار جمعیتی کشور است: ۱۲ میلیون جوان مجرد که هرگز ازدواج نکرده اند. از این تعداد، ۷/۵ میلیون پسر و ۴/۵ میلیون دختر در سنین بالای ۲۰ سال قرار دارند. همچنین حدود ۸۲۰ هزار مرد بالای ۵۰ سال و ۳۴۰ هزار خانم بالای ۴۵ سال در کشور وجود دارند که هرگز ازدواج نکرده اند. این ارقام نه تنها بیانگر چالش های اجتماعی و فرهنگی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده است، بلکه زنگ خطری جدی برای پنجره جمعیتی ایران محسوب می شود.

پنجره جمعیتی، دوره ای است که سهم جمعیت در سن کار (۱۵ تا ۶۴ سال) در اوج خود قرار دارد و فرصتی طلایی برای رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی فراهم می کند. ایران در دهه های گذشته از این پنجره بهره برده، اما با کاهش نرخ ازدواج و فرزندآوری، این فرصت در معرض تهدید قرار گرفته است. افزایش شمار جوانان مجرد و کاهش تشکیل خانواده، به معنای کاهش نسل آینده و پیری جمعیت است که می تواند به کاهش نیروی کار فعال، افزایش بار تکفل و کندی رشد اقتصادی منجر شود.

حکمرانی هوشمند در عصر گذار؛ واکاوی ابعاد «جنگ سوم»، وحدت ملی و افق های هوش مصنوعی در ایران

علی عباس زاده سوری (عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگر حوزه حکمرانی)



مقدمه: بازخوانی ضرورت های حکمرانی در تلاطم تحولات نوظهور تحولات پرشتاب سیاسی، امنیتی و فناورانه در سنوات اخیر، این حقیقت بنیادین را دیکته کرده است که نظامات حکمرانی سنتی دیگر توان پاسخگویی به پیچیدگی های جهان معاصر را ندارند. جامعه امروز ایران، در کنار نیاز به انسجام ملی و صیانت از هویت جمعی، با چالش های نوین اطلاعاتی و امنیتی روبروست که تحلیل آن ها تنها از عهده سامانه های هوشمند برمی آید. تجربه های سخت و هزینه زای ملی در جریان بحران های تحمیلی، نباید صرفاً به عنوان یک تهدید نگریسته شوند؛ بلکه این رخ داده ها، نقاط عطفی برای «بازمهندسی حکمرانی» و بازشناسی ظرفیت های پنهان ملت در مسیر پیشرفت هستند.

در این میان، مفهوم «جنگ سوم» نه فقط یک تقابل سخت، بلکه بزنگاهی برای بازتعریف پیوند میان مردم و حاکمیت در ساحت فناوری های راهبردی است. هوش مصنوعی در این بستر، نقشی دوگانه ایفا می کند: این فناوری هم زمان که «پیشران» عدالت و کارآمدی است، می تواند در صورت غفلت از بومی سازی، به «سلاحی» برای جنگ شناختی و قطبی سازی اجتماعی تبدیل شود. این نوشتار بر آن است تا با رویکردی راهبردی، پیوند میان تجربه بحران، ضرورت وحدت و ظرفیت های هوش مصنوعی را در افق حکمرانی نوین ایران ترسیم نماید.

۱. گذار به حکمرانی داده محور؛

از پیچیدگی اداری تا چابکی هوشمند حکمرانی در معنای کلاسیک خود، عمدتاً بر ستون های سخت تصمیم گیری اداری و کنترل فیزیکی منابع استوار بود؛ اما امروز، گسترش شبکه های ارتباطی و انفجار داده ها، ماهیت قدرت را تغییر داده است. در عصر پیچیدگی، حکمرانی موفق به معنای توانایی در تحلیل توده های عظیم داده، پیش بینی رفتارهای اجتماعی و واکنش چابک به بحران های سیال است.

در این پارادایم جدید، «وحدت ملی» نه یک شعار سیاسی، بلکه زیربنای پایداری اجتماعی و امنیت ملی است. نظام سیاسی که بر پایه اعتماد متقابل و هم افزایی بنا شده باشد، در برابر تکان های بیرونی واکنش خواهد بود. اما نکته کلیدی اینجاست که در سده جدید، این وحدت نیازمند «ابزارهای فناورانه» برای تقویت و صیانت

دشمن می شود.

۴. چالش های پیش رو؛

مهار تیغ دو دم در جنگ شناختی علیرغم فرصت ها، هوش مصنوعی چالش های عمیقی را نیز به همراه دارد. مهم ترین تهدید در این عرصه، ظهور «جنگ شناختی» از طریق تولید محتواهای جعلی (Deepfake) است که می تواند مرز حقیقت و دروغ را مخدوش کرده و در بزنگاه های حساس، به انسجام اجتماعی آسیب بزند. همچنین، الگوریتم های شبکه های اجتماعی با ایجاد «قطبی سازی مصنوعی»، می توانند جامعه را به سمت شکاف های عمیق سوق دهند.

بزرگترین هشدار در این مسیر، خطر «استعمار الگوریتمیک» و وابستگی فناورانه است. بهره برداری از هوش مصنوعی بدون زیرساخت مستقل و بومی، به معنای واگذاری داده های حساس و الگوهای تصمیم سازی ملی به پلتفرم های بیگانه است. لذا، راهبرد حیاتی کشور نباید صرفاً «استفاده» از این فناوری باشد، بلکه باید بر «حکمرانی بر فناوری» تمرکز نماید. این حکمرانی مستلزم تدوین نظام نامه های اخلاقی، حقوقی و امنیتی بومی برای بهره برداری مسئولانه از این هوش مصنوعی است.

۵. تحلیل نهایی و نتیجه گیری؛

تجدید میثاق در سنگر علم و ایمان آینده حکمرانی در ایران اسلامی، بیش از هر زمان دیگر به پیوند میان ایمان، دانش و فناوری وابسته است. تجربه بحران های اخیر ثابت کرده است که هوش مصنوعی نه جایگزین انسان، بلکه ابزاری برای افزایش دقت، سرعت و عدالت در تصمیم گیری های حاکمیتی است. دانشگاه ها و اندیشکده ها در این میان نقش «دیدهبان» را دارند تا با نگاهی مسئله محور، از ظرفیت های پلتفرم های بومی برای ارتقای چابکی کشور بهره بگیرند.

در افق آینده، اگر هوش مصنوعی در چارچوب منافع ملی هدایت و بومی سازی شود، به ستون فقرات «حکمرانی هوشمند» تبدیل خواهد شد. ایران مقتدر در این مسیر، نه تنها در برابر تهدیدات سخت و نرم مقاوم تر می شود، بلکه می تواند الگویی نوین از حکمرانی فناورانه را در جهان اسلام ارائه دهد. تحقق این چشم انداز، تنها با تجدید میثاق میان دانش تخصصی، مسئولیت پذیری اداری و آرمان گرایی انقلابی ممکن خواهد بود.

است. هوش مصنوعی دقیقاً در همین نقطه تلاقی، به عنوان بازوی اجرایی تصمیم سازی کلان وارد عمل می شود تا با تحلیل روندها و کشف الگوهای ناپیدا، حاکمیت را در مسیر پیش بینی نیازهای جامعه و شناسایی پیش دستانه تهدیدات یاری دهد.

۲. میراث فکری در تراز فناوری؛

رمزگشایی از منظومه مقاومت با ابزار الگوریتم میراث فکری رهبران الهام بخش انقلاب، فراتر از متون تاریخی، یک «منظومه داده ای منسجم» است که نقشه راه حرکت جهادی کشور را ترسیم می کند. امروزه با بهره گیری از ابزارهای نوین نظیر «پردازش زبان طبیعی» (NLP) و «متن کاوی»، می توان به فهمی ساختاری از این منظومه دست یافت. تحلیل داده محور بیانات نشان می دهد که «وحدت» در گفتمان اصیل انقلاب، صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه رکنی از قدرت ملی برای مقابله با پروژه های نفوذ است.

با استفاده از روش های تحلیل شبکه و مدل سازی موضوعی، به وضوح مشاهده می شود که واژگانی نظیر «صبر»، «ایستادگی» و «نصرت الهی»، حلقه های متصل به یک زنجیره واحد هستند. هوش مصنوعی به ما ثابت می کند که در این مکتب فکری، مقاومت نه یک رفتار منفعلانه، بلکه کنشی آگاهانه و آینده ساز است. شناسایی این الگوهای موفق مقاومت در طول تاریخ، به سیاست گذاران کمک می کند تا مدل های بومی برای

تحلیلی اجمالی بر حمله موشکی دشمن آمریکایی و اسرائیلی به بزرگ‌ترین واحد صنعتی ایران و بزرگ‌ترین شرکت فولاد سازی خاورمیانه (مجمع فولاد مبارکه) و پیامدهای اجتماعی بوجود آمده آن و راهکارها

علیرضا گرداب، معاونت امور کمیسیون‌های مجمع مشورتی نظام مسائل استان اصفهان



حمله موشکی به مجتمع صنعتی فولاد مبارکه را نمی‌توان صرفاً یک رخداد نظامی یا صنعتی دانست؛ بلکه این اتفاق، زنجیره‌ای از پیامدهای اقتصادی، روانی و اجتماعی ایجاد کرده که آثار آن فراتر از محدوده کارخانه دیده می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد بخش‌هایی از خطوط تولید و زیرساخت‌های انرژی این مجموعه آسیب جدی دیده و بخشی از فعالیت تولیدی متوقف شده است. (به نقل از بانک اقتصاد)

از نظر اقتصادی، فولاد مبارکه یکی از مهم‌ترین صنایع مادر ایران محسوب می‌شود و هزاران شغل مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است. برخی گزارش‌ها ادعا کرده‌اند پس از حملات، تعداد زیادی از نیروهای عملیاتی به محل کار بازنگشته‌اند و فعالیت تولیدی با افت شدید مواجه شده است. این وضعیت می‌تواند پیامدهایی مانند افزایش بیکاری، کاهش درآمد خانوارها و فشار بیشتر بر صنایع وابسته مانند ساختمان، خودروسازی و صنایع فلزی را به همراه داشته باشد. (به نقل از اخبار روز)

اما مهم‌تر از آسیب اقتصادی، «آسیب‌های اجتماعی» و پیامدهای چنین بحران‌هایی است. وقتی یک مرکز بزرگ صنعتی دچار اختلال می‌شود، جامعه پیرامون آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. مهم‌ترین آثار اجتماعی احتمالی عبارت‌اند از:

- ۱- افزایش اضطراب و ناامنی روانی میان کارگران و خانواده‌ها
- ۲- کاهش امید اجتماعی و احساس بی‌ثباتی اقتصادی
- ۳- مهاجرت نیروی کار متخصص به شهرها یا کشورهای دیگر
- ۴- افزایش تنش‌های خانوادگی ناشی از فشار مالی
- ۵- کاهش اعتماد عمومی نسبت به امنیت زیرساخت‌های حیاتی کشور و گسترش شایعات و فضای ملتهب در شبکه‌های اجتماعی.

از منظر جامعه‌شناسی بحران، چنین حملاتی معمولاً فقط به «تخریب فیزیکی» محدود نمی‌شوند؛ بلکه هدف آن‌ها ایجاد اختلال در روحیه عمومی، اعتماد اجتماعی و ثبات روانی جامعه است. به همین دلیل واکنش رسانه‌ها، مدیریت بحران و حمایت از کارگران نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تبعات اجتماعی دارد.

در بعد رسانه‌ای نیز، این حادثه بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشت و به بحث‌هایی

درباره امنیت زیرساخت‌های صنعتی، نقش صنایع فولادی در اقتصاد کشور و تاب‌آوری اجتماعی دامن زد.

همانگونه که آهن آنلاین گفت: حمله به فولاد مبارکه را می‌توان نمونه‌ای از «بحران چندبعدی» دانست؛ بحرانی که هم‌زمان اقتصاد، اشتغال، امنیت روانی و انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بازسازی آن فقط به تعمیر تجهیزات صنعتی محدود نخواهد بود، بلکه نیازمند بازسازی اعتماد و آرامش اجتماعی نیز هست.

برای کاهش آثار چنین بحران‌هایی، راهکارها فقط امنیتی نیستند؛ باید هم‌زمان اقتصادی، اجتماعی و روانی باشند. و اما برای حمله به زیرساخت صنعتی مثل فولاد مبارکه راهکارهایی موجود است از قبیل:

- ۱- مدیریت فوری بحران: بازگرداندن سریع خطوط حیاتی تولید برای جلوگیری از شوک اقتصادی اطلاع‌رسانی شفاف و منظم به مردم و کارکنان برای جلوگیری از شایعه تشکیل تیم‌های امداد روانی برای کارگران و خانواده‌ها
- ۲- تقویت امنیت زیرساخت‌ها: پراکنده‌سازی بخش‌های حساس صنعتی تا آسیب متمرکز نباشد ایجاد سامانه‌های پشتیبان برق، آب و داده استفاده از فناوری‌های هشدار سریع و پدافند غیرعامل آموزش کارکنان برای مدیریت شرایط اضطراری.
- ۳- کاهش آسیب‌های اجتماعی: حمایت روانی و مشاوره رایگان برای خانواده‌های درگیر بحران جلوگیری از اخراج یا تعدیل گسترده نیروها ایجاد برنامه‌های اشتغال موقت برای کارگران آسیب‌دیده فعالیت رسانه‌ای آرام‌کننده و مبتنی بر واقعیت، نه هیجان و ترس.
- ۴- افزایش تاب‌آوری اجتماعی: تاب‌آوری یعنی جامعه بعد از بحران بتواند دوباره خودش را بازیابی کند. برای این موضوع: تقویت اعتماد عمومی با شفافیت مشارکت مردم و نهادهای محلی در مدیریت بحران آموزش عمومی درباره رفتار درست در شرایط بحرانی حفظ امید اجتماعی و

- ۵- راهکار بلندمدت: کاهش وابستگی اقتصاد به چند صنعت متمرکز توسعه صنایع کوچک و منطقه‌ای سرمایه‌گذاری روی فناوری و اتوماسیون تقویت بیمه‌های صنعتی و اجتماعی در واقع اگر فقط کارخانه تعمیر شود ولی اضطراب، بی‌اعتمادی و فشار اقتصادی مردم باقی بماند، بحران کامل حل نشده است. موفق‌ترین کشورها در بحران‌های صنعتی معمولاً هم‌زمان روی «بازسازی فیزیکی» و «بازسازی اجتماعی» کار می‌کنند.
- و در پایان نیز باید تأکید کرد که هیچ امری ثمربخش تر از اعتماد به نسل جوان انقلابی تحصیلکرده نیست، بهره‌مندی از صنوف و اتحادیه‌ها و تشکل‌هایی که از جوانان نخبه و عملگرا و انقلابی تشکیل شده می‌تواند در بسیاری از مواقع با دادن میدان به آنها و تهیه خوراک اطلاعاتی و پژوهشی، عملیاتی و میدانی و مشاوره و نظارت افراد کارکشته و پیشکسوت نتیجه بخش باشد.